

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

صاحب امتیاز:

شهرداری مشهد

مدیر مسئول:

سید میثم موسوی مهر

مسئول دبیر:

سید مسجاد طلوع هاشمی

نشان: خیابان کوهسنگی

ابتدای کوهسنگی ۱۵

دفتر مرکزی:

۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵

نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴

روابط عمومی:

۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

شهر

شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهر آرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

صاحب امتیاز:

شهرداری مشهد

مدیر مسئول:

سید میثم موسوی مهر

مسئول دبیر:

سید مسجاد طلوع هاشمی

نشان: خیابان کوهسنگی

ابتدای کوهسنگی ۱۵

دفتر مرکزی:

۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵

نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴

روابط عمومی:

۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

دمای هوای مشهد

۵۲٪

۱۳°

۳°

۱۰ ظهر

۶ صبح

۶ شب

۱۱ عصر

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۳:۱۵ نیمه شب شرعی ۲۲:۵۹:۱۵

غروب آفتاب ۱۶:۴۷:۳۱ اذان صبح فردا ۰۵:۱۰:۳۶

اذان مغرب ۱۷:۰۷:۱۱ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۳۸:۲۶

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

صاحب امتیاز:

شهرداری مشهد

مدیر مسئول:

سید میثم موسوی مهر

مسئول دبیر:

سید مسجاد طلوع هاشمی

نشان: خیابان کوهسنگی

ابتدای کوهسنگی ۱۵

دفتر مرکزی:

۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵

نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴

روابط عمومی:

۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

کارتون شهر

به هر کارت بانکی فقط ۱۰ تا نان تعلق می گیره.

پس این دو تا کارت رو بگیرد و ۲۰ تا نان بدید...

قانون جدید سهمیه بندی آرد و نان بسته به منطقه و تعداد خانوار و ... باعث شده است شهروندان به دنبال راهکاری برای فرار از این قانون باشند.

رضا چنگی

شوخی بی شوخی

حفره کوچک، چاهی است که با پول پر می شود

نامه یک کارمند به دندان کرم خورده اش

نست. گاهی داخل دندانان حفره امنیتی به وجود می آید. یک حفره امنیتی به ظاهر کوچک که به شدت امنیت موجودی جیب انسان ها را تهدید می کند. دانستم که چند حفره کوچک روی دندان می تواند اندازه یک چاه نفت درآمدزایی کند و دریل کوچک دندان پزشکی می تواند اندازه یک دکل حفاری نفت زمینه خلق ثروت را فراهم کند. مثل یک سیاه چاله فضایی بودی. از آن سیاه چاله های فضایی که شبکه ۴ نشان می دهد. از آن ها که اجرام آسمانی اطرافشان را به درون خود می کشند. توهم مانند آن های توانی هر چه موجودی حساب است به درون خود بکشی. برخلاف ظاهرت، کوچک و کم عمق نبودی. چاهی بودی که من ته آن گیر کرده بودم و تأمین اجتماعی هم تمایلی به بیرون آوردن من از داخل آن چاه نداشت. حفره ای بودی که یک راه پرکردنت این بود که یک حفره دیگر در بدنم به خاطر نبودن کلیه به وجود بیاید. چاره ای نبود. اگر دنداننی را که تو آنجا جاخوش کرده بودی می کشیدم آن وقت با حفره ای خیلی بزرگ تراز تو روبه رومی شدم. خلاصه دل به دریا زدم و تمام موجودی حسابم را خالی کردم تا تورا پر کنم.

اول شخص

درخشان فوتبال ایران

درباره حمید درخشان، بازیکن و سرمربی پیشین فوتبال ایران که امروز ۶۵ساله شد

می زد. دست آخر هم در همان زمین های یخچالی بود که جوان هفده ساله سرابی در سال ۱۳۵۴. مورد توجه مرحوم منصور امیرآصفی قرار گرفت و به تیم پرسپولیس دعوت شد. درخشان، اولین بازی در تیم پرسپولیس را برابر نیروی اهواز در شرایطی تجربه کرد که به صلاح دید امیرآصفی به جای علی پروین وارد زمین می شد. تعویضی جنجالی که خشم هواداران روی سکو را با شعار «علی حق تو خوردن!» به جات بچه آوردن، بر سر درخشان و سرمربی اش خالی می کرد. اما درخشش درخشان در زمین بازی، آن اندازه چشمگیر بود که خیلی زود به ترکیب ثابت تیم پرسپولیس اضافه و پس از آن نیز از سوی حشمت مهاجرانی به تیم جوانان دعوت شد و باین تیم، نایب قهرمانی را در مسابقات قهرمانی آسیا تجربه کرد. یک

در ایران قدیم. آن زمانی که هنوز یخچال ها به شکل امروزی اختراع نشده بود، بناهای گنبدی شکلی در محلات شهر و روستا ساخته می شد که در زمستان، آب قنات ها را در عمق زمین به شکل یخ نگهداری می کرد برای استفاده در تابستان. بعدتر در دهه ۵۰، هنگامی که دیگر به شکل کاربردی از آن ها استفاده نمی شد و رو به زوال می رفت، جوانان محلات، با تخریب دیواره بیرونی آن، محیط را به شکل زمینی خاکی و صاف مهیا می کردند برای بازی فوتبال. زمین هایی موسوم به «زمین های یخچالی» که روزگاری پاتوییم و مانند کسی پیشکسوت تاریخ فوتبال ایران از جمله علی پروین و ضیا عربشاهی بود. حمید درخشان هم فوتبال را از همین زمین ها آغاز کرده بود. شوق و حرارت جاری در آن محیط. آن چنان انگیزه بخش بود که هر فوتبالیستی را در حلقه محاصره تماشاچیان، به هنرنمایی تشویق می کرد. آن قدر که وقتی به تیم مزداي تهران راه یافته بود باز هم به همین زمین ها برمی گشت و ساعتی را در آنجا توپ

سال بعد نیز به عنوان بازیکن سال ایران انتخاب شد. حمید درخشان در ایامی پیراهن تیم ملی ایران را بر تن داشت که مرحوم ناصر حجازی، سگربان تیم بود و پیشکسوتانی چون نصرالله، عبدللهی، ایرج دانایی فرد، حسن روشن، عبدالرضا برزگری و حسین فرکی، یاران او در میانه میدان بودند. او دو سال بعد از حضور در تیم ملی همیشه در ترکیب اصلی بود. استاد دریل و پاس بود و بارها در رسانه ها، به خاطر تکنیک های منحصر به فرد خود، سوژه یادداشت های ورزشی می شد. سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ بهترین بازیکن لقب گرفت و چندین بار نام او از سوی کیهان ورزشی، به عنوان بهترین بازیکن هفته اعلام شد. برخی مطبوعات نیز لقب «حمید آتش پاره» را به او نسبت می دادند زیرا وقتی

می آمد که نمی توانستیم به راحتی کنار خط طولی زمین پا به توپ شویم. کرنر زدن هم که دیگر دشوار تر بود. وقتی می خواستیم کرنر بزنیم، باید از جمعیتی که روی نقطه کرنر ایستاده بودند تا تمام زمین را ببیند می خواستیم برای چند ثانیه هم که شده فضای بیدار شد و تویه کرد و بسیار منشأ خیر و برکت شد. قدیمی ها تا کید زیادی در نکوهش ریا داشتند و آنگاه که می خواستند آداب دین داری را به کودکان خویش بیاموزند به باب ریا که می رسیدند آن را مترادف کفر قرار داده و یا ده ها حکایت شیرین سعی می کردند تا این مسئله را به

فرزندانشان بیاموزند، اما چه حیف که دیگر چنین راه و رسم آداب دانی و یاد داندش از رسم روزگار افتاده است. گاه دیده می شود، ریاو رزی پیشرفت شده است به طوری که گاهی نشان صادق بودن ریاکاری است و آنکه ریا نکند به غیر صادق بودن متهم می شود. چه خوش گفت سعدی شیرین سخن که «آنکه زاهد است، نمی ستاند و آنکه می ستاند، زاهد نیست.» اما راه و رسم برخی در حذر زهد فروشی متوقف نمانده است.

روایت حمید درخشان از خاطرات خوش زمین های یخچالی

وقتی در زمین یخچالی پا به توپ می شدیم، اطراف زمین جا برای سوزن انداختن وجود نداشت. پیر و جوان دور زمین می ایستادند و انگار که در ورزشگاه آزادی مشغول تماشای یکی از بازی های مهم لیگ باشند ما را تشویق می کردند. حتی آن قدر تماشاگر برای دیدن بازی به زمین یخچالی

می آمد که نمی توانستیم به راحتی کنار خط طولی زمین پا به توپ شویم. کرنر زدن هم که دیگر دشوار تر بود. وقتی می خواستیم کرنر بزنیم، باید از جمعیتی که روی نقطه کرنر ایستاده بودند تا تمام زمین را ببیند می خواستیم برای چند ثانیه هم که شده فضای بیدار شد و تویه کرد و بسیار منشأ خیر و برکت شد. قدیمی ها تا کید زیادی در نکوهش ریا داشتند و آنگاه که می خواستند آداب دین داری را به کودکان خویش بیاموزند به باب ریا که می رسیدند آن را مترادف کفر قرار داده و یا ده ها حکایت شیرین سعی می کردند تا این مسئله را به

قبال پول، یکی از اعمال خودش را به یک تازه در گذشته بدهد که اوستخت گناهکار بوده و محتاج اعمال خیر است. زاهد نیز اندکی درنگ کرد و در اعمال ریز و درشت خود نگر بست و بعد به یاد روزی افتاد که از جلو بارگاه منور یکی از ائمه^(ع) می گذشته و سلامی به رسم ادب داده است. او همان را به ازای پولی به آن گذشته داد. شب در خواب دید که از تمام اعمالش فقط همان مقبول درگاه الهی افتاده

ایام کودکی دورانی است که خاطرات شیرین آن معمولاً تا کهن سالی هم به یادمان می ماند. برای همین است که گاهی در سختی های روزگار به سراغ آن ها می رویم و مانند کسی که کامش تلخ شده، می خواهیم با چشیدن طعم خوش کودکی، اندکی از تلخی روزگار کم کنیم. به یاد دارم زمانی که کودک بودم، پدرم شب قبل از خواب حکایت یاد داستانی برایم تعریف می کرد که برخی از آن ها به یادم مانده است. یکی از آن ها این بود که روزی نزد فرد زاهدی می روند و او می خواند که در

یادداشت

آنکه می ستاند، زاهد نیست

قبال پول، یکی از اعمال خودش را به یک تازه در گذشته بدهد که اوستخت گناهکار بوده و محتاج اعمال خیر است. زاهد نیز اندکی درنگ کرد و در اعمال ریز و درشت خود نگر بست و بعد به یاد روزی افتاد که از جلو بارگاه منور یکی از ائمه^(ع) می گذشته و سلامی به رسم ادب داده است. او همان را به ازای پولی به آن گذشته داد. شب در خواب دید که از تمام اعمالش فقط همان مقبول درگاه الهی افتاده

قصد دروغ گو فریب است

کرده است. جالب اینکه خیلی ها او را قوی ترین فرد در تشخیص دروغ می دانند. در بخشی از این کتاب می خوانیم: «دروغ گو حق انتخاب دارد، می تواند دروغ نگوید. او قصد فریب قربانی را دارد و برای گمراه کردنش ستجیده و حساب شده عمل می کند. دروغ از

حَدِیْث

أَنَّ رَجُلًا أَتَى سَيِّدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَظُمْتُ لِي خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَقَالَ لَا تُكَذِّبْ مَرْدِيْ بِرَسُولِ خُدا (ص) عَرَضَ كُود: بِه مِن اخلاقی بیاموزید که خیر دنیا و آخرت در آن جمع باشد. حضرت فرمودند: دروغ نگو.

بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۶۹، ص ۲۶۲، ج ۴۳

عکس روز

خانه های خاطرات

رسول نجفیان، خواننده ترانه مشهور «رسم زمونه»، گفته است که وقتی به محله قدیمی شان رفته، برجی را دیده که جای خانه شان را گرفته است و او که دلش تپیده برای روزهای دور و گذشته و آدم هایش، این اثر را خلق کرده است. حیف که دیگر خانه های قدیمی بین خاطرات ذهنمان گم است و دیگر جایی نیست برای زندگی کردن. کوچه ها و خانه هایی که انگشت شمارند و کارکرد موزه دارند انگار و تماشایشان هم لذت دارد و هم حسرت.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: محسن بخشنده / شهر آرا